

## بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

محمود علی پور گرجی\*

### چکیده

نقطه عزیمت دیدگاه مقام معظم رهبری در بزم آزادی، هستی‌شناسی است و با این پرسش آغاز می‌شود که منشأ و خاستگاه آزادی چه کسی است؟ معظم له، آزادی را یک امر ضروری و در شمول حقوق طبیعی و اولیه بشری می‌داند که از سوی دولت‌ها به شهروندان اعطا نشده است؛ بلکه نعمتی از طرف خداوند است. ایشان با تحلیل آزادی در اسلام، شرق و غرب، پس از طی سه مرحله، تعریفی از آزادی سیاسی ارائه می‌دهند. در مرحله اول تأکید دارند که جامعه اسلامی باید در مفهوم آزادی، مستقل از غرب و شرق بیندیشد و یک فکر تقلیدی نداشته باشد. در مرحله دوم آزادی در مکتب اسلام را به آزادی از غیر خدا تعریف می‌کنند. در نهایت ایشان با توجه به این دو مرحله، آزادی سیاسی را به نقش و مشرکت مردم در نظام سیاسی تعریف می‌کنند.

### واژگان کلیدی

حقوق طبیعی، آزادی سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب.

alipour-mg558@yahoo.com

تاریخ پذیرش: 90/4/15

\*. استادیار دانشگاه آیت‌الله بروجردی.

تاریخ دریافت: 90/2/12

در باب مفهوم آزادی، ما باید ... مستقل فکر کنیم. تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسئله که پایه بسیاری از مسایل و پیشرفت‌های ماست، بنا شد تقلید بکنیم... خطای بزرگی مرتکب شدیم؛ نتیجه تلخی در اختیار خواهد بود. (بیانات، 1377/6/12)

«آزادی سیلسی در جامعه اسلامی، یک امر ضروری است» (بیانات، 1365/11/18 و 1370/10/11) و «فراهم آوردن زمینه‌های این امر مهم، به‌عهده دولت و همه شهروندان به‌عنوان یک فرد مسلمان می‌باشد». (بیانات، 1379/9/12) آیت‌الله خلمنه‌ای با تأکید بر آزادی سیلسی، خطاب به همه مردم بیان می‌کنند: «در اسلام هر فردی دارای حق آزادی است و نمی‌توان شخصی را به دلیل داشتن فکر سیلسی مؤاخذه کرد».

گرایش‌های سیاسی و اندیشه‌های سیاسی در جامعه اسلامی آزاد است. هیچ‌کس را به جرم داشتن یک فکر سیاسی یا یک فکر علمی نمی‌توان مورد تعقیب قرار داد و اسلام اجازه این کار را نمی‌دهد (بیانات، 1365/11/17)

ایشان بارها به تشریح و تبیین آزادی، همت گماشته‌اند. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری، اصول و خطمشی‌های حاکم بر جهت‌گیری نظام را مشخص می‌کند، بر این اساس، روشن شدن دیدگاه‌های معظم‌له در مقوله آزادی، می‌تولد برای جامعه و گروه‌ها بسیار راه‌گشا باشد و چنانچه روند آزادی سیلسی در جمهوری اسلامی ایران با تغییر دولت‌ها دچار نوسان شود، ندیشه سیلسی مقام معظم رهبری می‌تولد شاخص منسب برای یافتن مسیر باشد. وضعیت مطلوب آزادی سیلسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسناد بالانستی (شامل قانون سلسی و سند چشم‌انداز) و ندیشه سیلسی رهبران عالی نظام (شامل ندیشه سیلسی امام و مقام معظم رهبری) است. این نوشتار به ندیشه سیلسی آیت‌الله خلمنه‌ای اختصاص دارد و بقیه، به پژوهش دیگری نیاز دارد.

آزادی سیلسی در ندیشه‌های معظم‌له بیشتر به صورت نمایه از سوی مؤسسات و نهادها مطرح شده است. برخی از تألیفات مانند «آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» (محمدی، 1387) از جمله کتاب‌های معدودی است که به بررسی ندیشه سیلسی معظم‌له در زمینه

آزادی سیلسی پرداخته است. پژوهش حاضر، برای بررسی آزادی سیلسی در اندیشه سیلسی معظم‌له تلاش کرده است. این پژوهش، نتیجه بررسی اندیشه سیلسی رهبر فرزله انقلاب است که به صورت سخنرانی، خطبه‌های نماز جمعه و بیانات ایشان که تا سال 90 مطرح فرموده‌اند، می‌باشد. بررسی آزادی سیلسی در این پژوهش، تحقیقی هنجاری است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که با توجه به اندیشه سیلسی مقام معظم رهبری، آزادی سیلسی در ج.ا.ا. باید چگونه باشد؟ برای پاسخ به پرسش اصلی، لازم است درک درستی از خستگاه و منشأ آزادی، مفهوم آزادی و آزادی سیلسی، آزادی بیان، مطبوعات، احزاب و انتخابات از منظر معظم‌له داشته باشیم.

### خاستگاه و منشأ آزادی؛ هستی‌شناسی آزادی

نقطه عزیمت دیدگاه آیت‌الله خلمنه‌ای درباره آزادی، هستی‌شناسی است و با این پرسش آغاز می‌شود که منشأ و خستگاه آزادی چه کسی است؟ آیا دولت‌ها اعطاکننده آزادی به شهروندان هستند یا خیر؟ در تاریخ اندیشه سیلسی درباره منشأ و منبع آزادی دودیدگاه ارائه شده است که فقط یکی از آنها مطابق دیدگاه معظم‌له است. ابتدا دیدگاه‌ها و سپس نظر مقام معظم رهبری را در این زمینه بررسی می‌کنیم:

#### 1. نظریه حقوق موضوعه

از این منظر، آزادی سیلسی جزو حقوق موضوعه محسوب می‌شود. مقصود از حقوق موضوعه، مجموع قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. بر این اساس، منشأ آزادی سیلسی، دولت، فرهنگ، سنت و یا تاریخ است. برای مثال، فرادی چون «ساوینی» در آلمان دیدگاه فرهنگی دارند و تأکید دارند که فرهنگ خاص هر جامعه، آزادی سیلسی و حقوق انسان را تعیین می‌کند و معتقدند آزادی سیلسی و حقوق انسان محصول سنت‌های هر جامعه است. گروهی دیگر به نام اثبات‌گران حقوقی، دولت را منبع آزادی سیلسی و حقوق تلقی کرده‌اند. دیدگاه‌های دولت‌گرا، سنت‌گرایا فرهنگ‌گرا، تاریخ‌گرا و جامعه‌گرا محدودیت‌های لسلسی برای آزادی و حقوق بشر قائل

شده‌اند. (کاتوزیان، 1364: 6)

## 2. نظریه سیاسی - فلسفی حقوق طبیعی (فطری)

بنابر این دیدگاه، آزادی سیلسی جزو حقوق طبیعی (فطری) محسوب می‌شود. اصطلاح «حقوق فطری» را در برابر حقوق موضوعه به کار می‌برند. «حقوق فطری» یا «حقوق طبیعی»، مجموع اصول و قوانینی است که فطرت، آنها را در عقل انسان قرار داده است؛ به تعبیر دیگر، حقوق طبیعی، حقوقی است که انسان صرف نظر از جنس، نژاد، زبان و... تنها به دلیل انسان بودن، از آن برخوردار است. درحقیقت، حقوق طبیعی مانند حق حیات، حق آزادی و حق انتخاب بلیه‌ی‌ترین حق انسان است. این حقوق، برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است و قانون‌گذار باید بکوشد تا آنها را بیابد و اداره اجتماع و قوانین بشری (حقوق موضوعه) را بر پایه آن قرار دهد. (همان) اما درباره اینکه منشأ خود حقوق فطری چیست، دو دیدگاه مطرح شده است:

یک. حقوق فطری بر پایه مذهب و اخلاق: منبع حقوق فطری، اراده خداوند است و هدف آن، اجرای اراده او، یعنی اقامه عدل و مهربانی است. دو. حقوق فطری بر پایه عقل: حقوق فطری در قرن 17 و 18 میلادی به تدریج ریشه مذهبی و الهی خود را در اروپا از دست داد. منشأ حقوق فطری در این دوره، انسان است نه خداوند. نه تنها عقل بشر در همه حال به قواعد و حقوق فطری حکم می‌کند، بلکه این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اوست. حقوق فطری، چنان با سرنوشت آدمی آمیخته است که هیچ عملی نمی‌تولد آن را از او جدا یا به دیگری منتقل کند. به گفته روسو: «بشر آزاد به دنیا آمده است و باید آزاد زیست کند». (همان: 8 و 9)

نقطه عزیمت دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره آزادی، همانند دیگر مفاهیم مبتنی بر هستی‌شناسی و جهان‌بینی توحیدی است. از نظر ایشان، ریشه همه آموزه‌ها از جمله آزادی، اصل توحید و یگانگی خداست. این اصل، هستی و جهان را آفریده خدا می‌داند و قدرتی مافوق قدرت خداوند را به رسمیت نمی‌شناسد. از این رو، مفاهیم و آموزه‌های دیگر با توجه به این اصل باید مفهوم واقعی خود را پیدا کند. آزادی نیز از این اصل استثنای نبوده و در پرتو

اصل توحید، مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند. بر این اساس، انسان باید تنها در برابر خداوند تسلیم باشد تا از آزادی در برابر دیگران برخوردار شود. معظم‌له در این باره می‌فرماید:

اسلام... آزادی را امر فطری انسان می‌داند. بله، یک حق است، اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات، حق زندگی کردن. همچنانی که حق زندگی کردن را نمی‌شود در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و حق چه گذاشت. برتر از این حرف‌هاست، زمینه همه اینهاست. آزادی هم همین‌جور است. این نظر اسلام است. البته استثناهایی وجود دارد. این حق را در مواردی می‌توان سلب کرد، مثل حق حیات. یک نفر کسی را می‌کشد، قصاصش می‌کنند. یک نفری فساد می‌کند، قصاصش می‌کنند. در مقوله حق آزادی هم این‌جوری است. منتها اینها استثناست. این دیدگاه اسلام است. (بیانات، 1377/12/6)

بنابراین، مقام معظم رهبری تأکید دارند اولاً، آزادی از جمله حقوق طبیعی انسان و حقوق اولیه بشری است، نه حقوق موضوعه که دولت‌ها بخواهند به شهروندان اعطا کنند. آزادی، متعلق به مردم و جزو فطرت مردم است؛ ثانیاً، منشأ آزادی خداوند است نه عقل بشری. آزادی هدیه الهی است. (بیانات، 1378/1/1) ایشان تأکید دارند که در اسلام نیز آزادی لم‌ری فطری و هم‌ردیف حق حیات و برتر از دیگر حقوق دانسته شده است. اگر آزادی در شمار حقوق فطری و حق طبیعی انسان‌هاست و اعطای آن از سوی دولت معنا ندارد، بنابراین، چه ضرورتی دارد که دولت و قوانین سلسله‌ای آن را به رسمیت بشناسد؟ فرلتس نویمان چنین پاسخ می‌دهد:

از زمانی که دولت پایدار شده و وسایل الزام و اجبار به صورت نهادی به‌انحصار آن درآمده، قانون طبیعی و حقوق انفاک‌کنپذیر طبیعی تنها به این شرط ممکن است در سیاست معنایی داشته باشند که از طرف ارگان‌های دولتی پذیرفته شده باشند؛ یعنی به شکل قانون موضوعه باشند. (نویمان، 1977:1:72؛ 1373)

از ویژگی‌های قواعد حقوقی، داشتن ضمانت اجراست. قواعد حقوق فطری و از آن جمله حق آزادی، مادام که حقوق موضوعه به آنها اعتبار نبخشیده و آنها را تضمین نکرده است، از

نظرگاه تکنیک سلیسی و حقوقی ناقصند؛ زیرا ضمانت اجرا ندارند. براین اساس، مقام معظم رهبری تصریح می‌کند آزادی علاوه بر اینکه خلستگاه فطری و طبیعی دارد، دانسی و اعطاکردنی نیز هست؛ به این معنا که حکومت‌ها از باب وظیفه و تکلیف باید به شهروندان آزادی بدهند. (بیانات، 1379/12/09) همچنین از دیدگاه معظم‌له، آزادی، حقی گرفتاری است؛ زیرا حقوق را باید مطالبه کرد. «آزادی گرفتاری است»، یعنی هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خودش آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. (همان)

### آزادی سیاسی

آزادی سلیسی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پس از طی سه مرحله، تعریف شده است. در مرحله اول، معظم‌له تأکید دارند برای دستیابی به مفهوم آزادی، باید مستقل فکر کرد و نباید پیرو مفاهیم اقتباس شده از غرب و شرق باشیم. (بیانات، 1377/6/12) اگر در مفهوم آزادی، تقلید و همان مفاهیم غرب را تکرار کنیم، نتیجه تلخی در جامعه اسلامی خواهد داشت. براین اساس، معظم‌له در جستجوی مفهوم آزادی، با طرح این پرسش که «آیا آزادی دارای یک مفهوم است یا مفاهیم مختلفی دارد؟» می‌فرمایند:

هر یک از مکاتب اسلامی، غربی و شرقی دارای مفهوم جداگانه‌ای از آزادی هستند. هم غرب و هم شرق ادعا دارند که دارای آزادی هستند. غرب، آزادی فردی و شرق، آزادی جامعه (محو شدن فرد در جامعه) را ادعا دارد. لذا در مقابل، اسلام نیز دیدگاه ویژه‌ای درباره آزادی دارد. (بیانات، 1365/9/14)

ایشان تأکید می‌کنند با توجه به طرح آزادی در انقلاب فرانسه، عده‌ای تصور می‌کنند مفهوم آزادی از غرب وارد اسلام شده است و این، فکر اشتباهی است که آزادی را از غرب هدیه گرفته‌ایم. (بیانات، 1365/9/14) با همین تصور غلط که آزادی از غرب وارد شده است، عده‌ای در پژوهش دچار اشتباه دیگری شده‌اند و همیشه در مفاهیم آزادی، به منابع غربی چون «کانت»، «جان استوارت میل» و دیگران ارجاع می‌دهند و این اشتباه بزرگی است. آزادی دارای ریشه اسلامی است و هیچ لزومی ندارد برای تبیین مفهوم آزادی به غرب

مراجعه شود. (بیانات، 1377/6/12)

بنابراین، معظم‌له برای جستجوی مفهوم آزادی سیلسی، در مرحله اول تأکید دارند که در مکتب اسلام، غرب و شرق دارای مفهوم جداگانه‌اند و خود مفهوم آزادی نیز در اسلام از غرب و شرق اقتباس نشده است و باید مستقل فکر کرد. ایشان در مرحله دوم بر اساس دیدگاه توحیدی که خالق و آفریننده همه انسان‌ها خدست و مالک و قادر اوست، تعریف ویژه‌ای از آزادی اسلامی ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که آزادی اسلامی به معنای آزادی از غیرخدست؛ زیرا سرور و مولای همه فقط خدای متعال است و نباید کسی لسیر و برده شخص دیگری شود. دعوت همه لبیا اطاعت از خدا و اجتناب از کسائی است که می‌خواهند انسان را لسیر و برده کنند.

ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است. تمام پیغمبران اولین حرفشان عملت بوده از اینکه از خدا اطاعت کنید و از طلغوت، از کسائی که غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید. (بیانات، 1365/10/19)

با توجه به نگاه توحیدی که معظم‌له به انسان دارند، آزادی حقیقی و کامل را به معنای آزادی انسان از غیر دانسته‌اند. آزادی، یعنی رهاشدن از قید و بند طاغوت‌ها و مکان حرکت و پرواز بعسوی سرمنزل استائیت که تعالی معنوی و الهی است. (بیانات، 1361/9/12) ایشان مفهوم آزادی را دوائ درد ملت‌ها دانسته‌اند؛ اینکه ملت‌ها لسیر هوا و هوس و ترس از قدرتهای ظالم و ستمگر نباشند و این نسخه‌ای است که برای تمام ملت‌های علی‌السواء قابل اجر است و دوائ درد همه ملت‌هاست. یعنی آزادی درونی، آزادی معنوی، آزادی از زنجیرهایی که بازدارنده انسان از حرکت هستند. (بیانات، 1365/10/5)

مقام معظم رهبری، همان‌گونه که مفهوم آزادی اسلامی را از آزادی غرب و شرق جدا می‌سازند، فلسفه آزادی در اسلام را نیز از غرب و شرق جدا می‌دانند. (بیانات، 1365/10/19) از منظر ایشان، فلسفه آزادی در غرب، تمایلات استائیت، چه این تمایلات، منطقی باشد و چه غیرمنطقی؛ بلین معنا که انسان هرچه را خولست باید بتولد

نجام دهد. هرچند که در غرب، اعتقاد بر آن است که آزادی با قانون محدود می‌شود، ولی این قانون هم نتیجه تمایلات انسان است. (بیانات، 1365/10/19)

معظم‌له با توجه به دیدگاه توحیدی و معرفت‌شناسی درباره انسان، فلسفه آزادی اسلامی را همانند حق حیات، مقنمه‌ای برای کمال و عبودیت می‌داند:

آزادی به‌او داده شده به‌خطر پیمودن راه کمال. همین آزادی با این ارزش برای تکمیل است؛ کما اینکه خود حیات انسان برای تکمیل است. (همان)

انسان در جهان‌بینی اسلامی، موجودی است که استعدادهای فراوانی دارد و می‌تواند در مراتب علم و معنویت تا بی‌نهایت پیش رود و این در صورتی است که انسان خدا را عبادت و طاعت کند؛ در غیر این صورت، همه راه‌ها بر او بسته است. با توجه به مفهوم آزادی (آزادی از غیر، آزادی از لسارت طاغوت) و استعدادهای فراوان انسان، انسان می‌تواند تا بی‌نهایت پیش رود و از فرشتگان هم برتر شود. (همان)

آزادی، از جهات و ابعاد مختلفی بررسی می‌شود که گاه خلط این ابعاد با معنای سیلسی آزادی، اشتباهاتی در اندیشمندان به‌وجود آورده است. بر این اساس، آیت‌الله خلمنه‌ای پس از این دو مرحله، در مرحله سوم با نگاهی به انواع آزادی، به دنبال تعریف آزادی سیلسی است؛ آنچه معظم‌له در مرحله سوم تأکید دارند، آن است که مبدا آزادی سیلسی را با انواع دیگر آزادی، یکسان بدانیم. نگاهی به انواع آزادی در تاریخ اندیشه، می‌تواند ما را با نکاتی واقف سازد که معظم‌له درباره تفاوت آزادی سیلسی اشاره دارند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان انواع چهارگانه‌ای را برای آزادی مطرح کرد:

1. آزادی فلسفی: آزادی اراده، اینکه آیا انسان موجودی است مختار یا مجبور؟ به تعبیر دیگر، آیا فاعل و به‌وجودآورنده اعمال انسان خود او می‌باشد یا خدا، بحث‌های فراوانی از صدر اسلام تاکنون شده که در فلسفه و کلام اسلامی با عنوان مسئله جبر و تفویض مطرح شده است. (شهرستانی، 1362: 110)

2. آزادی اخلاقی: آزادی اخلاقی به معنای رهایی عقل از سلطه غریز و شهوات یا به معنی آزامنشی و داشتن اخلاق آزمردان است. این شق آزادی، در مکاتب اخلاقی بررسی



شده است.

3. آزادی عرفانی: این آزادی به معنای وارستگی از هر چیزی جز خدای متعال است. این قسم از آزادی نیز مانند دو قسم دیگر، خارج از محدوده سیلسی است؛ زیرا کاملاً جنبه فردی و شخصی دارد و با آزادی سیلسی که مربوط به روابط اجتماعی است، متفاوت است. (طباطبایی مؤتمنی، 1370: 11)

4. آزادی حقوقی (قانونی) یا تجویزی: در این تقسیم‌بندی، آزادی سیلسی درون آزادی حقوق ملنی و در مقابل آزادی فلسفی قرار می‌گیرد. (همان) با توجه به ابعاد مختلف آزادی، آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند:

آزادی یک معنای وسیعی را شمل می‌شود؛ هم شمل آزادی از اسلرت است، هم شمل آزادی از اخلاق است. چون اخلاق هم یک قید و بندی است... (و) آزادی سیاسی. (بیانات، 1376/7/30)

در میان این معانی، آزادی سیلسی به معنای نقش و مشارکت مردم در نظام سیلسی است. (بیانات، 1366/3/22) نقش افراد، هم در تشکیل حکومت و هم در استمرار حکومت قابل بررسی است؛ زیرا در سلام بدون خولست مردم، نه حکومتی تشکیل می‌شود و نه استمرار می‌یابد. (بیانات، 1376/11/15)

ایشان تأکید دارند که منظور از آزادی اسلامی (آزادی از غیر خدا)، آزادی معنوی و اخلاقی نیست، بلکه مراد آزادی سیلسی است و در روایات بر همین معنای سیلسی (آزادی عقیده، آزادی بیان، حق انتخاب و...) تأکید شده است:

مسئله آزادی یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم، در کلمات ائمه علیهم‌السلام به‌طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته بحث آزادی‌ای که اینجا می‌کنیم، تعبیر آزادی که اینجا می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست — که هیچ طرفداری در دنیا ندرد؛ فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت بکند — مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و به خصوص در سطح راقی معارف اسلامی هست، آن هم نیست. او محل بحث نیست. آزادی معنوی چیزی است که کسانی

که معتقد به معنویاتند همه آنرا قبول دارند محل رد و قبول نیست. منظور از آزادی که اینجا بحث می‌کنیم، آزادی اجتماعی است. آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن، و از این قبیل؛ منظور این است. همین مقوله در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. (بیانات، 1377/6/12)

بنابراین، آیت‌الله خلمنه‌ای در سه مرحله، تعریفی از آزادی سیلسی ارائه می‌دهند. ایشان پس از تعریف آزادی سیلسی، در بیانات و سخنرانی‌های متعدد، شاخص‌های آزادی سیلسی یعنی آزادی بیان، مطبوعات، احزاب و انتخابات را بررسی می‌کنند که در ادامه به آن می‌پردازیم:

### یک. آزادی بیان

مقام معظم رهبری با توجه به مبانی معرفت‌شناختی خویش، معتقد است آزادی بیان، ریشه در اسلام داشته (بیانات، 1365/10/19) و در صدر اسلام نیز آزادی بیان وجود داشته است. بر این اساس، به مسلمانان دستور داده شده که حتی با کسانی که از لحاظ عقیده برخلاف شما هستند، به خوبی رفتار کنید.

در اسلام به مسلمانان دستور داده شده است که حتی کسانی که از لحاظ دین و عقیده برخلاف شما هستند، با آنها هم شما خوبی کنید... این منطق اسلام است. (بیانات، 1375/7/18)

از منظر معظم‌له، در حکومت ولایی، آزادی بیان تا آنجا مطرح است که یک فرد عادی، قدرت مطالبه از بالاترین مقام، یعنی رهبری را دارد. آزادی در حکومت ولایی این‌گونه است. اگر این نوع آزادی وجود داشته باشد، عدالت برقرار شده است. ممکن است این نوع آزادی برای عده‌ای بعید باشد، ولی این شذنی است. بر این اساس تأکید دارند:

نشانه‌های بروز عدالت در یک جامعه، آنجایی است که یک فرد از طبقات هر چند پایین اجتماع، در صورتی که بر او ظلمی روا شود یا حقی ضایع شود، بتواند جلوی ولی امر مسلمین و عالی‌ترین فرد مملکت بایستد و احقاق حق کند، بدون اینکه صدایش بلرزد. عده‌ای این را عملی نمی‌دانند ما احساسمان

این است که اینها احتمالاً اعتماد کفای به ولایت و فضای ولایی ندارند؛ وگرنه در فضای ولایی و تحت زعیمت ولایت فقیه، این عملی است. عده‌ای بحث عدالت‌خواهی را مقلبل آزادی‌خواهی می‌دانند؛ اما آزادی‌خواهی هم در عدالت‌خواهی است. اگر عدالت در جمع‌های نهادینه شود، حقوق افراد و آزادی‌ها پاس داشته خواهد شد. (بیانات، 1381/9/7)

رهبر فرزانه انقلاب، با توجه به شرایط ویژه‌ای که در جامعه حاکم بود و اینکه عده‌ای با بهانه دفاع از دین به دلشگاه‌ها حمله کردند، نگرانی خویش را اظهار کرده و با محکوم کردن آن، بیان می‌کنند این‌گونه رفتار، باعث خوشحالی دشمن می‌شود. (بیانات، 78/4/21) البته اگر آزادی بیان در دلشگاه‌ها، وسیله‌ای برای انتقال افکار غلط باشد و یا محیط به‌گونه‌ای به امور دینی بی‌تفاوت شود، پذیرفتنی نیست و با آن برخورد می‌شود. (بیانات، 1372/10/1 و 1379/9/19)

#### دو. آزادی مطبوعات

آیت‌الله خلمنه‌ای، آزادی مطبوعات را حق مسلم مردم و مطبوعات می‌دانند (بیانات، 1378/2/28) و معتقدند مطبوعات آزاد در جامعه، یکی از نشانه‌های رشد ملت است و رشد، بالندگی و آزادگی را به‌ارمغان می‌آورد.

معتمد اگر در جامعه، جمع‌های مطبوعات آزاد را، مطبوعات دل‌ای رشد را، قلم‌های آزاد و فهمیده را از دست بدهد، یکجا خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد. وجود مطبوعات آزاد یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و حقیقتاً خودش هم مایه رشد است؛ یعنی رشد و آزادگی یک ملت، آنرا بوجود می‌آورد، او هم بگونه خود می‌تواند رشد یک ملت را افزایش بدهد. (بیانات، 79/9/12)

ایشان با تأکید بر اینکه مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی، شکل تجملی و تشریفاتی ندارد، بیان می‌کنند:

مطبوعات در کشور ایران، در نظام جمهوری اسلامی، کجای کلند؟ کی

هستند؟ چی هستند؟ ... ما معتقدیم که مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی یک چیز تجملاتی و تشریفاتی نیست. (بیانات، 1375/2/13)

بر این اساس، معظم‌له با توجه به اهمیت آزادی مطبوعات، چهار وظیفه مهم را برای مطبوعات آزاد بیان می‌کند:

#### الف) نقد و نظارت

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه هیچ‌کس حتی رهبری فوق نظارت نیست، نظارت بر حاکمان را امری ضروری دانسته و بیان می‌کند همه دستگاه‌ها باید خود را در معرض نقد قرار دهند. همه مشمول این قاعده کلی نقد، اصلاح و پلسخ‌گویی هستند.

من عرض می‌کنم، هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین، همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند - چون حکومت به‌طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است - برای اینکه امانت به‌خرج دهند و سوءاستفاده نکنند و نفسشان طغیان نکنند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد. (بیانات، 1379/12/9)

یکی از بخش‌های نظارتی از نظر معظم‌له مطبوعات است. از منظر ایشان، مطبوعات باید در نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و انتقاد از مسئولان حکومت آزاد باشند. (همان) البته باید دقت داشت که انتقادات به‌گونه‌ای باشد که کارهای دولت را مختل نکنند و یا مانع اقدامات دولت در زمینه اقتصادی نشوند. از این رو، ایشان تأکید می‌کنند:

مخالف دولت به معنای اینکه منتقد به دولت باشد هیچ اشکالی ندارد ... ما این را مضر نمی‌دانیم؛ مشروط بر اینکه مزاحم و مختل‌کننده کارهای دولت نباشند که هی مسئله برایش درست کنند و نگذارند که دولت کلری که دارد در سازندگی جامعه می‌کند، در مسایل اقتصادی، در مسایل گوناگون کشور نتواند آن کارش را انجام بدهد و مانعی در راهش ایجاد نکنند؛ اما به معنای منتقد و به معنای منتقد اشکال ندارد. (همان)

**ب) اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف؛ هدایت جامعه**

مقام معظم رهبری دومین وظیفه مطبوعات آزاد را اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف می‌داند؛ زیرا بینش و تفکر صحیح، تنها از طریق ارئه شناخته می‌شود. متنها این اطلاع‌رسانی باید صادقانه و شفاف باشد. (همان)

**ج) هدایت جامعه: دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌ها**

از منظر معظم‌له، اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف به‌هدایت فکار جامعه منجر می‌شود (بیانات، 1368/4/23) و مهم‌ترین وظیفه مطبوعات، همین دفاع از ارزش‌هاست.

مهم‌ترین وظیفه مطبوعات در نظام اسلامی، نقش فرهنگی آنان در معرفی و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های مورد قبول این ملت انقلابی و بالابردن سطح آگاهی و معرفت آنان است. (بیانات، 1375/2/13)

**د) تبادل آرا و افکار گوناگون**

از منظر آیت‌الله خمینه‌ای، چهارمین وظیفه مطبوعات آزاد، طرح فکار و آرای مختلف در جامعه است. البته طرح آرای مختلف باید همراه شرایطی باشد، از جمله اینکه نباید به‌بلندگوی دشمن مبدل شود و نیز با تحریف حقایق و یا کذب و دروغ همراه نباشد. (بیانات، 1378/10) هرچند طرح فکار گوناگون و آرای مختلف، همراه این ویژگی‌ها سخت‌ست، اما هنر بزرگ این است که مطبوعات، هم آزاد باشند و هم ارزش‌های دیگر را حفظ کنند.

هنر بزرگ این است که کسی بتواند هم آزادی را حفظ کند، هم حقیقت را درک کند، هم مطبوعات آزاد داشته باشد، هم آن آسیب‌ها دامنش را نگیرد. باید این‌گونه مشی کرد. (بیانات، 1379/12/9)

**سه. آزادی احزاب**

در بینش سیلسی مقام معظم رهبری، برخلاف اندیشه‌هایی که مخالف وجود حزب هستند، اصل تحزب مورد پذیرش قرار گرفته است و از جامعه تک‌صدایی پرهیز شده است. بر این اساس، وجود احزاب و گروه‌های اجتماعی مختلف در جامعه، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه

لازم و ضروری است.

حزب یعنی همین انسجام، که در هر جمعی لازم است و جهت‌گیری منظم و خوب حزب است که ضمن تداوم یک حرکت اجتماعی است؛ بنابراین، اسلام این را می‌پسندد و قبول می‌کند. (اخوان کاظمی، 1388: 111)

ایشان در مورد اصل ت‌حزب تأکید می‌کنند که:

این را باید تذکر بدهیم که ما گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفان» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزبهای صحیحی که در ایران است، نباشد. حزبهای منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها، یک حزب دیگر است. اگر ان شاء الله مسلمین موفق بشوند و یک همچون حزبی که مستضعفین است، برای همه جاها یک همچون حزبی را تأسیس کنند، بسپار به‌وقوع است. لکن به معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. (بیانات، 1367/10/22)

بنابراین، در منظر معظم‌له اصل ت‌حزب پذیرفتنی است؛ به همین دلیل، احزاب و گروه‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران آزاد هستند و در چارچوب قانون اجازه فعالیت دارند.

آزادی احزاب سیاسی، مضمون قانون اساسی است. هدف، عمل کردن به‌قانون اساسی است. قانون اساسی اجازه داده به افراد ملت که جمعیت‌ها و گروه‌ها و احزابی را در چارچوب‌های قانونی البته به‌وجود بیاورند و شکی نیست که ما باید این امکان را بدهیم. حالا که خوشبختانه وزارت کشور افتاده توی این فکر که این کار را انجام بدهد خیلی قبل از اینها باید این کار انجام می‌گرفت. (همان)

به‌طور کلی، آزادی سیاسی، زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان اجازه تشکیل حزب و اجتماعات سیاسی را داشته باشند.

وقتی گفته می‌شود که در جامعه اسلامی، مردم آزادی‌های سیاسی دارند، این بدین معناست که هم حق انتخاب را در اموری که اشاره شد دارند هستند و هم حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه‌ها، ایجاد تشکلهای سازمان‌ها و

احزاب، ایجاد اجتماعات سیاسی، بیان افکار و نظرات سیاسی و خلاصه، انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جمعه را دارا هستند. (بیانات، 1366/4/12)

در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، همه احزاب سبیلی در چارچوب قانون اجازه فعالیت دارند. از این رو، ایشان گروه‌های سبیلی که فعالیت‌های سبیلی را منحصر به خود دانسته و اجازه فعالیت به احزاب و گروه‌های سبیلی دیگر را نمی‌دهند سرزنش و بیان می‌کنند:

همه گروه‌ها، همه احزاب، همه دستجات، همه افراد، همه چهره‌ها و شخصیت‌ها باید بدانند که فقط خود آنها نیستند که حق حیات و حق گفتن و حق اظهار عقیده کردن دارند، این حق متعلق به همه است؛ متعلق به عموم ملت است و همه می‌توانند از آن استفاده کنند. (بیانات، 1358/11/17)

برخی نویسندگان، ملاک سنجش خوبی و بدی حزب از دیدگاه معظم‌له را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: دوره اول، مربوط به اوایل انقلاب و سال 1358 است که مقام معظم رهبری به همراه شخصیت‌هایی مانند شهید بهشتی و هاشمی رفسنجانی، حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. در این دوره، رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای به تشکیل حزب، مثبت بوده و موفق این‌گونه احزاب بوده‌اند. دوره دوم، مربوط به بعد از انحلال حزب جمهوری اسلامی به‌ویژه در دهه 1370 - 1380 است که دیدگاه‌های ایشان در برابر تحزب به شدت انتقادآمیز بوده و دارای رویکرد موققت مشروط با تحزب می‌باشد. (اخوان کاظمی، 1388: 114 - 109) اما بغیر نویسنده مقاله، دیدگاه مقام معظم رهبری به دلیل تغییر سال‌ها نبوده، بلکه به دلیل اهداف حزب بوده است؛ به عبارت دیگر، معظم‌له ملاک سنجش خوبی و بدی حزب را هدف حزب می‌داند و احزاب سبیلی را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ (بیانات، 1377/12/4) دسته اول مربوط به احزابی است که هدفشان کسب قدرت است. اگرچه کسب قدرت برای احزاب، امری قهری است، یعنی افراد حزب نمی‌توانند به انتخابات ریاست جمهوری و ... بی‌تفاوت باشند و پس از پیروزی فرد منتخب، احزاب حامی، قدرتمند می‌شوند. اما نباید هدف حزب، کسب قدرت باشد. از معایب این دسته احزاب به دنبال قدرت، آن است که دارای اعضای مصالحی است نه اعضای فکری؛ بدین معنا که فرد از حزب حمایت می‌کند تا یک امتیاز بگیرد. به عنوان مثال فلان

روحانی برای حزب رأی جمع می‌کند تا به مسجد او امتیاز دهند. طرفداران این احزاب، نه تفکر حاکم بر این احزاب را می‌شناسند و نه مؤسسان احزاب را. همچنین طرفداران، نه با کتبی‌دهای احزاب آشنایی دارند و نه اطلاعی از اقدامات آنها دارند. این دسته احزاب، هرچند در جمهوری اسلامی ایران آزادند، مورد تأیید معظم‌له نیستند؛ به همین دلیل، معظم‌له احزابی را سرزنش می‌کنند که از طریق لتساب به ایشان درصدد کسب قدرت در جامعه هستند. ایشان می‌فرمایند:

بعضی خودشان که کشمکش می‌کنند هیچ، سعی می‌کنند که رهبری و دستگاه‌های نظام را هم وانمود کنند که در دعوای جناحی و خطی اینها وار دند؛ این مطلب درست نیست. بنده حزب و شخصیت نمی‌شناسم؛ بنده این را می‌شناسم که کسی که می‌آید به مجلس، باید باتقوا باشد؛ اولین شرط تقواست؛ «ان اکرمکم عندالله اتقاکم». دیگر اینکه، باید طرفدار محرومین باشد. (بیانات، 1382/10/18)

دسته دوم از احزابی که آیت‌الله خامنه‌ای مطرح و تأیید می‌کنند، احزابی است که به‌عنوان یک ندیشه و فکر، به‌دنبال هدایت فکار جامعه باشند و درصدد آن هستند که تفکر مورد قبول خودشان را به‌مردم برسانند؛ چنانچه «حزب جمهوری اسلامی» بر این اساس تشکیل شده بود. (بیانات، 1377/12/4)

#### چهار. آزادی انتخابات

از منظر معظم‌له، مهم‌ترین مصداق آزادی، آزادی انتخابات است. (بیانات، 1382/1/19) این آزادی، زمانی تحقق می‌یابد که انتخابات همراه ویژگی‌هایی باشد:

**الف) حضور همگانی مردم**  
از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران بر آرای مردمی متکی است و نظام بدون حمایت و رأی مردم، در حقیقت هیچ است، از منظر معظم‌له، نفس حضور مردم در انتخابات اهمیت دارد و این حضور همگانی در انتخابات، هم حق مردم و هم تکلیفی بر دوش مردم است.



بر این اساس، ایشان تأکید می‌کنند:

حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در اینجا خود را نشان دهد؛ یعنی در قانون اساسی ما و در تعلیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکا به رأی مردم، کسی بر سر کل بیاید. باید با اتکا به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند بماند و هم در وصیت‌نامه خود آنرا منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت، انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. (بیانات، 1376/2/13)

ب) آزادی در امر انتخاب؛ انتخاب آگاهانه

دومین ویژگی انتخابات آزاد آن است که حضور مردم و کاندیدها در انتخابات باید آزادانه و آگاهانه باشد.

آزادی انتخابات معنایش این است که هر کسی بتواند آزادانه خودش را مطرح کند و در معرض اطلاع مردمی که می‌خواهند او را انتخاب بکنند، بگذرد و مردم هم هر کسی را که خودشان می‌فهمند، می‌پسندند، آزادانه بتوانند انتخاب کنند و کسی زور، اجباری نسبت به آنها نداشته باشد. (بیانات، 1363/1/7)

با تحقق این هدف، نظام اسلامی می‌تواند مطمئن باشد که در جهت آرزوها و هدفهای خود در حرکت است. از سوی دیگر، مردم و احزاب نیز باید در انتخابات احساس آزادی انتخاب داشته باشند. (بیانات، 1371/1/15)

### ج) فضای انتخابات سالم باشد

در نگاه معظم‌له انتخابات آزاد به معنای آزادگی و رشد ملت است. براین اساس، زمانی انتخابات از رأی واقعی مردم حکایت دارد که فضای انتخابات سالم باشد. از این رو، ایشان تأکید می‌کنند:

آنچه در انتخابات، از نظر شما برادران عزیز و زحمتمکش مهم است، در درجه اول، سلامت انتخابات است. انتخابات باید به معنای واقعی کلمه، نمایشگر رأی مردم باشد. این به معنای آن نیست که ما فقط از تقلب کردن کسانی که ممکن است بخواهند چنین کاری بکنند، جلوگیری بکنیم - آنکه به جای خود محفوظ و معلوم است و شأن مأموران جمهوری اسلامی، اجل از این حرف‌هاست - بلکه بالاتر از این، فضای انتخابات، باید فضای سالمی باشد؛ فضای تبلیغات، باید با فضای پروپاگاندهای معمول دنیا تفاوت داشته باشد. (بیانات، 1370/9/27)

### د) انتخابات در انحصار حزب و گروه خاصی نباشد

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان سیره حضرت امام خمینی تأکید دارند که انتخابات نباید در انحصار حزب و گروه خاصی باشد و مسئولان و دست‌اندرکاران انتخابات نباید از حزب و جناحی طرفداری کنند. اگر چنین انتخابات آزادی داشته باشیم، باعث دلگرمی مردم می‌شود. (همان)

### ه) برابری حق رأی

از ویژگی‌های انتخابات آزاد در نظر معظم‌له، برابری حق رأی است؛ بدین معنا که همه دارای رأی یکسان باشند و بین زن و مرد، جوان و پیر و مذهب‌های مختلف تفاوتی نباشد.

مهم اینکه در این حق، یعنی حق رأی دادن، حق انتخاب کردن یعنی آزادی سیاسی در بزرگ‌ترین و مؤثرترین شکلش هیچ محدودیتی نیست. زن‌ها هم همین جور رأی می‌دادند و رأی می‌دهند و صاحب سهمی در این آزادی عمومی هستند. جوانان هم همین‌طور، حتی نوجوانان هم اگر به حد بلوغ رسیدند همین‌طور. نژادهای مختلف تفاوتی ندارند. مذهب‌های مختلف تفاوتی ندارند. (بیانات، 1366/3/22)

### محدوده‌های آزادی سیاسی

حقوق و حدود ملازم یکدیگرند؛ هر جا حقی هست، حدی هست و هر جا حقی داده می‌شود تکلیفی هم بار می‌شود. اگر حقوق این‌گونه لحاظ نشود و یکسویه و یکجانبه مطرح گردد، بروز تباهی‌های اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. هنگامی که افرادی از آزادی خود بهره‌مند شوند و در عین حال، قیدهای اخلاقی توجیه‌کننده آن را فراموش کنند، تضاد میان آزادی و نظم ظهور می‌کند. به‌گفته «بوردو»، در این وضعیت، خودمختاری فرد به خودفرمانی اقویا تبدیل می‌شود. از این پس، خودمختاری فردی، بر پایهٔ امکانات موجود فرد برای تحمیل اراده خویش سنجیده شده و بدین‌گونه با رهایی ضابطه‌های اخلاقی به خدمت توجیه خودپرستی زورمندان و تشویق و رذالت ترهستان درمی‌آید. (بوردو، 1378: 50) به این ترتیب، آزادی که متعلق به همه انسان‌هاست، در عمل، برای عدهٔ خاصی امتیاز محسوب می‌شود. آزادی، زورمند را بر ناتوان و تونگر را بر تهی‌بست مسلط کرده و خود به ابزار سرکوب تبدیل می‌شود و قانون نیز موانع کار را برطرف می‌کند. بر این اساس، مقام معظم رهبری در کنار طرح فطری و طبیعی بودن آزادی و تأکید بر آزادی سیلسی، این پرسش را مطرح می‌کنند که گسترهٔ آزادی تا کجاست؟ آیا آزادی، همهٔ عرصه‌ها را دربرمی‌گیرد یا دارای حدی است؟ (بیانات، 1365/10/5) معظم‌له در پاسخ تصریح می‌کنند از آنجا که آزادی، مقصدهای برای رسیدن به کمال است، (بیانات، 1377/6/12) از این رو، آزادی و تکلیف دو روی یک سکه هستند و آزادی در اسلام همواره با تکلیف همراه است. آزادی بدون تکلیف مربوط به جوامع غربی است که هر نوع اینتولوژی که در آن باید و نبایندی باشد، نفی می‌کنند.

در غرب تا جایی پیش رفتند، در نفی تکلیف که حتی نه تفکر دینی را، حتی تفکرات غیردینی را - کل اینتولوژی‌ها را که در آنها تکلیف هست؛ واجب و حرام هست؛ باید و نباید هست - اینها را نفی می‌کنند. الان تو ائل اخیر همین لیبرال‌نویس‌ها؛ لیبرالیسم‌های آمریکایی و شبه آمریکایی و کسانی که پیغمبرشان آنها هستند. امتهای آنها در کشورهای دیگر از جمله متأسفانه

بعضی‌ها در کشور خود ما دنبال همین هستند که آقا تفکر آزاد غربی‌ها اصل باید و نباید، با اصل ایندئولوژی مخالف است. خوب، اسلام به کلی نقطه مقابل این است. اسلام آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی، تکالیف را صحیح انجام بدهد، کل‌های بزرگ را انجام بدهد، انتخاب‌های بزرگ را بکند و بتواند به تکمیل برسد. اینهاست. (همان)

معظم‌له تأکید دارند آزادی در اسلام باید دارای محدوده باشد و این محدوده‌ها باید آموزش داده شود تا به صورت فرهنگ و آداب درآید. «آزادی آموختنی است؛ یعنی آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت»؛ (بیانات، 79/12/9) زیرا بدون فرهنگ و آداب آزادی، نعمت بزرگ آزادی به استبداد و دیکتاتوری و یا هرج و مرج گرایش پیدا می‌کند؛ در این صورت است که همه تشنه فردی دیکتاتور می‌شوند.

از نظر اسلام، این برای یک جامعه فاجعه است. آزادی که از دست برود، فاجعه است. از نظر اسلام، هر نوع استبداد و دیکتاتوری - چه دیکتاتوری فردی، چه دیکتاتوری دسته‌جمعی؛ دیکتاتوری دسته‌جمعی هم مثل دیکتاتوری فردی است، فرقی نمی‌کند؛ دیکتاتوری حزبی هم مثل دیکتاتوری فردی است؛ گاهی بدتر هم هست - و اینکه یک نفر بخواهد بار رأی برخاسته از نفسانیات خودش سرنوشت مردم را به دست بگیرد، مردود است. (همان)

ایست‌الله خامنه‌ای، طرفداران آزادی بدون محدوده را دشمنان آزادی می‌داند و تصریح می‌کند:

اینها دشمنان آزادی‌اند. آزادی را نباید بنام کرد ... کسانی که نام آزادی را می‌آورند، ولی به فرهنگ آزادی مطلقاً پایبند و متعهد نیستند، به آزادی ضربه می‌زنند. اینها طرفدار آزادی نیستند؛ اینها به آزادی خیانت می‌کنند. (همان)

اکنون که آزادی باید دارای محدوده‌هایی باشد، مقام معظم رهبری مرزهای آزادی را بیان می‌کنند که عبارتند از:

### 1. آزادی در چارچوب قوانین اسلامی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، ترکیب دوازده بنیادین «سلامیت و جمهوریت» به‌عنوان دل مرکزی، مبنای فکری آزادی‌سیلی است؛ هرچند ارزش عبارت است از «اندیشه و تصورات از آنچه یک فرهنگ خاص به‌عنوان خوب یا بد، توجه دارد». (William, 1996: 61) منظور از «ارزش» در آزادی‌سیلی، ارزش‌های سلسلی<sup>1</sup> است؛ ارزش‌های سلسلی، خطوط قرمز زندگی ما را تشکیل می‌دهند. این ارزش‌ها، اصول و باورهای هدایت‌گر نظام‌سیلی هستند و به‌عنوان خطوط قرمز، عام و فراگیر می‌باشند و مستقل از زمان و مکانند. یعنی با ماهیت و جوهره نظام‌سیلی حاکم در ارتباطند؛ به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین تعرض به آنها رانمی‌توان نادیده گرفت و تحمل کرد و توقع آن است که همگان از آنها تمکین و تبعیت نمایند. (فتخاری، 1380: 120) براین‌اساس، از میان ارزش‌های مختلف، دو مؤلفه جمهوریت و سلام به‌عنوان ارزش‌های سلسلی قابل طرح است. (لام‌خمینی، 1385: 4 / 240 و 444؛ 5 / 144، 170 و 204؛ بیانات، 1382/1/19، 1376/1/15، 1377/4/12) ولی باید توجه داشت که ترکیب جمهوریت و سلامیت، ترکیب نضمامی نیست؛ بلکه یک‌هویت است؛ (بیانات، 1380/12/23) یعنی جمهوریت همانند کشورهای غربی با‌الإصالة اعتبار ندارد و مردم‌سالاری دینی، دمکراسی غربی نیست که فقط آرای مردم اهمیت داشته باشد. (بیانات، 1379/10/13) به‌دیگر سخن، در اندیشه‌سیلی معظم‌له، جمهوریت و اتکا به آرای مردم در نظام اسلامی، امر مقدسی است. علت آن نه به‌دلیل فلسفه لیبرالیسم است که جمهوریت با‌الإصالة دارای اعتبار و ارزش است و در این صورت جمهوریت و سلامیت یک‌مرکب نضمامی می‌شوند، بلکه به‌این دلیل که جمهوریت و سلامیت، یک‌هویت است؛ یعنی خداوند مردم را آزاد آفریده است. (بیانات، 1382/1/19)

بنابراین از منظر معظم‌له، اولاً، جمهوریت و اتکا به آرای مردم، چنان دارای اهمیت است که طرح آزادی بدون رأی و خولست مردم را بی‌ارزش می‌داند. (بیانات، 1378/3/14) حتی حکومت اسلامی در نزد ایشان بدون خولست مردم، نمی‌تولد دینی باشد؛ زیرا حکومت زور

1. Core Values.

نمی‌تواند دینی باشد. (خامنه‌ای، 1376: 32/1 و 33) ثانیاً، جمهوریت به‌عنوان یکی از دومینای فکری برای آزادی، تا جایی اعتبار دارد که مطابق شرع مقدس باشد. آزادی در اسلام، ریشه جهان‌بینی توحیدی دارد. علت اعتبار جمهوریت، ریشه توحیدی و آفرینش مردم به صورت آزاد توسط خداوند است. براین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای یکی از محدوده‌های آزادی سیلسی را سلامیت می‌داند و تصریح می‌کند که آزادی در چارچوب قوانین الهی پذیرفتنی است و به‌طور کلی، مردم در جمهوری اسلامی ایران، آزادی منهای سلام را نمی‌خواهند. بنابراین، آزادی، عدالت و همه‌واژه‌هایی که شعار انقلاب اسلامی ایران بوده است، در چارچوب قوانین اسلامی قابل تحقق است.

اسلام معتقد است که آزادی‌های مردم باید در چارچوب مقررات و ضوابط اسلامی باشد. شما آزاد نیستید در جمعه آن‌چنان که به اخلاق و عفت عمومی لطمه وارد می‌کند، فساد و رهایی و یله‌گی جنسی داشته باشید اسلام این را اجازه نمی‌دهد... اسلام اجازه نمی‌دهد که در جمعه اسلامی کسانی که معتقد به نظام اسلامی نیستند، بنشینند افکار را و افکار ساده را منحرف کنند، بلکه، ما با این آزادی مخالفیم. (بیانات، 1361/6/1)

## 2. آزادی در چارچوب قانون

نبود قانون‌گرایی، آزادی سیلسی را دچار تشتت کرده و در نتیجه، آثار منفی‌ای برای جامعه دارد. براین اساس، حاکمیت قانون به‌عنوان یک خط قرمز معرفی می‌شود که التزام به آن برای همه افراد، احزاب، گروه‌ها و تشکلات سیلسی ضروری شناخته می‌شود. آزادی سیلسی نباید به چالش کشیدن قوانین منجر شود. چنانچه در آزادی، سیلسیت و یا برنامه‌ای متوجه تضعیف جایگاه این میثاق و یا رد آن باشد، محکوم بوده و به‌مثابه عملی بر ضد منافع ملی جلوی آن گرفته می‌شود. رسانه‌ها، احزاب و... در رقابت‌های غیرقانونی بیشتر به‌برخوردها، اختلاف نظرها و رسوایی و کمتر به‌ثبات، تداوم سازگاری اخلاقی و وفاق ملی علاقه نشان می‌دهند. نمود عینی این وضعیت، در اخلاق رسانه‌ای حاکم بر مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل مشاهده است؛ (خواجه سروری، 1382: 32) از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید

دارند «راه اینکده همه، حق آزادی داشته باشند، عمل به قانون است». (بیانات، 1360/3/8)

آزادی خلج از چلر چوب قانونی به هرج و مرج می‌گراید. برای علاج بیملی‌ها و هتاکی‌ها و مهلر هرج و مرج فرهنگی نیز به‌توین راه، همین است که آزادی بیان در چلر چوب قانون و تولید نظریه در چلر چوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. (بیانات 1381/ 11/16)

هرگز نباید حدود قانونی و ورع‌های فرهنگی با سانسور اشتباه شود. این حدود قانونی در همه کشورها الزامی است تا هرج و مرج ایجاد نشود. آن حدود در هیچ جای دنیا و با هیچ منطقی وجودش بد نیست، به‌معنای سانسور نیست، به‌معنای عدم آزادی نیست. بلکه نبودنش به‌معنای بلبشو و هرج و مرج است. قانون هست، قلمده هست، خطکش در جمعه هست. بایست بر طبق حدود و مقررات و انضباط صحیح اجتماعی عمل بشود. (بیانات، 1373/2/24)

معظم‌له درباره طرفداری از کذبیدهای انتخابات همواره هشدار می‌دهند، مبادا کسی اقدامات غیرقانونی انجام دهد؛ اعتراض‌ها باید از طریق قانون حل شود؛ قانون، فصل الخطاب است

البته من به‌شما عرض کنم که یکی از هدف‌های دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند. من قویاً توصیه می‌کنم که به‌خاطر احساسات و به‌خاطر طرفداری از فلان کس، مبادا بر خلاف قانون اقدامی شود. من به‌هیچ وجه اجازه نمی‌دهم. (بیانات، 1379/2/1)

قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلاف‌ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ ... پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ ... زور آزمائی خیلسانی بعد از انتخابات کل درستی نیست، بلکه به‌چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردمسالاری است. (بیانات، 1388/3/29)

### 3. ممنوعیت آزادی توطئه و براندازی نظام

سومین محدودۀ آزادی سیلسی، ممنوعیت توطئه است. آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند که کسی نمی‌تولد در برابر مخالفان نظام بی‌تفاوت باشد و باید عکس‌العمل نشان داد. ولی این

عکس‌العمل در همه‌جا به‌معنای بازداشت نیست. عکس‌العمل در مقابل مخالف نظام مراحلی دارد: زبانی و در چهره نشان دادن. (بیانات، 1379/9/5) اما هرگاه آزادی به‌منفوذ دشمنان نظام منجر شود (بیانات، 1379/7/14) و یا کسانی بخواهند از آزادی برای مخالفت با انقلاب سوء‌استفاده کنند، با آنان برخورد می‌شود.

بی‌رو در بایستی آن کسانی که بخواهند با انقلاب سرشاخ بشوند، توی دست‌گاه رادیو تلویزیون، اینها قلیل تحمل نیستند. آنکه بخواهد لایه‌لای برنلمه اش یک نیشی به انقلاب بزند حالا یکوقت یک نقدی یکی از یکجایی دارد آن چیز مهمی نیست، اشکالی هم ندارد، در یک حد معقول اشکالی ندارد؛ اما به انقلاب کسی بخواهد نیش بزند، به اسلام بخواهد نیش بزند، یک تفکر مردود از نظر ما را بخواهد ترویج بکند، نه، این را ما قبول نمی‌کنیم، تحمل هم نمی‌کنیم. نباید هم تحمل بشود. (همان)

### نتیجه

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ماهیت و جنس آزادی جزو حقوق طبیعی، فطری و حقوق اولیه بشر است که از سوی خداوند به‌بشر اعطا شده است. براین اساس:

اولاً، در این نگرش، هیچ‌یک از دولت‌ها اجازه ندارند آزادی را از جانب خود بدیند و شهروندان برای برخورداری و بهره‌مندی از آزادی خدادادی خود، به‌اعطای آن از سوی حاکمان و فرمانرویان و یا کسب اجازه از آنان نیازی ندارند. اگر هم در عبارت‌ها بیان می‌شود، به‌تعبیر معظم‌له، تنها به‌این دلیل است که از باب وظیفه و تکلیف دولت‌ها باید آزادی را اعطا کنند. بنابراین ماهیت آزادی، ریشه‌هستی‌شنسی و توحیدی دارد و پیش از اینکه به‌حاکمان بگوید به‌مردم آزادی بدهید، به‌مردم می‌گوید آزاد هستید؛ زیرا خداوند شما را آزاد آفرید و به‌شما آزادی داده است.

ثانیاً، از آنجا که هرچیزی که متعلق جعل الهی قرار بگیرد، اصیل است، نه اعتباری، آزادی انسان نیز از آنجا که از جمله حقوق ذاتی و فطری انسان است که متعلق جعل الهی واقع شده، لم‌ری اصیل و حقیقی بوده، نه اعتباری؛ براین اساس، آزادی انسان از او قابل رفع و نفی نیست و هیچ مقلمی حق ندارد به‌نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی مشروع را هرچند



با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

ثالثاً، از آنجا که آزادی لسان از سوی خداوند هنگام خلقت به او اعطا شده است، هیچ‌گونه دینی به هیچ اقتدار اجتماعی ندارد.

رابعاً، از آنجا که آزادی یک نعمت الهی محسوب می‌شود، تنها در سایه دین اسلام است که آزادی لسان می‌تواند تأمین و حفظ شود.

همچنین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی سیلسی بمعنای مشارکت شهروندان در نظام سیلسی است. براین اساس:

اولاً، آزادی بیان برای همگان حتی مخالفان باید وجود داشته باشد؛ در حکومت ولایی آزادی بیان تا آنجا مطرح است، که یک فرد عادی، قدرت مطالبه از بالاترین مقام، یعنی رهبری را دارد. ثانیاً، حقوق و حدود ملازم یکدیگرند. براین اساس آزادی سیلسی و تکلیف دو روی یک سکه هستند و آزادی سیلسی نمی‌تواند بدون تکلیف مطرح شود. به تعبیر مقام معظم رهبری آزادی دارای آداب و فرهنگی است که باید رعایت شود. بدون ادب آزادی، این نعمت بزرگ الهی، به‌لستبداد و یا هرج و مرج منجر می‌شود.

بنابراین در مسیر تحقق ارزش‌های سلسی جمهوریست و سلامیت، آزادی سیلسی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری از این ویژگی‌ها برخوردار است: آزادی سیلسی، فطری و از حقوق اولیه لسان محسوب می‌شود که متکی بر ارزش‌های سلسی است.

از آزادی عقیده و بیان، احزاب و گروه‌های سیلسی فعال، همراه با رسانه‌های آزاد، مستقل و ناظر بر نهادهای حکومتی برخوردار است.

## منابع و مأخذ

1. اخوان کاظمی، بهرام، 1388، *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
2. افتخاری، اصغر، 1380، *درآمدی بر خطوط قرمز*

- در *رقابت های سیاسی*، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
3. امام خمینی، سیدروح الله، 1385، *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
4. بوردو، ژرژ، 1378، *لیبرالیسم*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی.
5. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان مجتمع آموزش عالی شهید بهشتی، 1367/10/22.
6. بیانات در خطبه نماز جمعه، 1361/9/12.
7. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1366/4/12.
8. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1365/9/14.
9. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1365/10/19.
10. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1366/3/22.
11. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1365/10/5.
12. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1360/3/8.
13. بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، 1358 /11/17.
14. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها، 1372/10/1 و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 1379/9/19.
15. بیانات در دیدار اعضای جامعه مطبوعاتی کشور، 1373 /2/24.
16. بیانات در دیدار اعضای فراكسیون دوم

- خرداد، 1379/9/5.
17. بیانات در دیدار با جوانان در مصلاي بزرگ تهران، 1379/2/1.
18. بیانات در دیدار با مدرسان معارف اسلامي آموزش و پرورش، 1361/6/1.
19. بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران، 1370/9/27.
20. بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور، 1375/2/13.
21. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 1379/9/12.
22. بیانات در مصاحبه با کیهان هوایی، 1365/11/18 و سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم بوشهر، 1370/10/11.
23. بیانات در همایش عظیم بانوان در جشن میلاد کوثر، 1376/7/30.
24. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلام در دیدار مردم مشهد، 1378/1/1.
25. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینه امام خمینی، 1378/2/28.
26. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در اجتماع بزرگ مردم قم، 1379/7/14.
27. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج علي بن موسي الرضا علیه السلام، 1371/1/15.
28. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در خطبه هاي نماز جمعه، 1378/3/14.
29. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در دیدار اقشار مختلف مردم قم، 1382/10/18.
30. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامي در دیدار

- با اعضای دفتر تحکیم وحدت، 1379/10/13.
31. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، 1377/6/12.
32. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مدیران و مسئولان مطبوعات کشور، 1375/2/13.
33. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقدار مختلف مردم، 1378/4/21.
34. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امیرکبیر، 1379/9/12.
35. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان، 1381/9/7.
36. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی، 1375/7/18.
37. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه، 1382/1/19.
38. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، 1376/4/12، 1377/4/12، 1382/1/19.
39. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، 1377/12/4.
40. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، 1377/12/4.
41. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با بسیجیان و سپاهیان لشکر پنج نصر در مشهد، 1378/10.
42. بیانات مقام معظم رهبری با اعضای مجلس خبرگان، 1376/11/15.
43. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه ماه محرم الحرام، 1376/2/13.

44. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه، 1381/11/16.
45. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهل‌مین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، 1368/4/23.
46. خامنه‌ای، سیدعلی، 1376، «بررسی ابعاد حکومت اسلامی»، *حکومت در اسلام، مجموعه مقالات سومین و چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
47. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی، 1388/3/29.
48. خطبه‌های نماز جمعه، 1365/11/17.
49. خواجه سروی، غلامرضا، 1382، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
50. دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، 1380/12/23.
51. شهرستانی، عبدالکریم، 1362، *ملل و نحل*، ترجمه سیدرضا نائینی، تهران، نشر اقبال.
52. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، 1370، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
53. کاتوزیان، ناصر، 1364، *مقدمه علم حقوق*، تهران، نشر اقبال.
54. محمدی، منوچهر، 1387، *آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
55. مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی پیرامون انتخابات، 1363/1/7.
56. نویمان، فرانکس، 1373، *آزادی و قدرت و قانون*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی،

چ اول .

57. Rivero, Jean, 1977, *les garanties constitutionnelles des droits de l'homme en droit francais*, Rev.int.dr.comp.
58. Goode, William J, 1966, *The Dynamics of Modern society*, New york, Atherton



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی